

فراتر از خبر

رابرت هاروارد، معاون پیشین فرماندهی سنتکام: ایران در حال خریدن زمان است

الکس رئوف اوغلو

کمتر از یک دقیقه پیش



رابرت هاروارد، دریادار بازنشسته نیروی دریایی آمریکا، عضو پیشین یگان ویژه نیروی دریایی و معاون پیشین فرمانده فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، همزمان با نوسان واشینگتن بین افزایش فشار نظامی و ادامه مسیر دیپلماسی، اجرای طرح حمله‌ای گسترده به ایران را موقتاً متوقف کرده تا مذاکرات درباره تنگه هرمز و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ادامه یابد.

ایران و آمریکا هر دو می‌گویند گفت‌وگوها در حال پیشرفت است، اما هنوز توافقی حاصل نشده است.

راديو اروپای آزاد/راديو آزادی برای بررسی این موضوع که حکومت ایران این مقطع را چگونه ارزیابی می‌کند و آیا تلاش‌های دیپلماتیک کنونی می‌تواند به نتیجه‌ای پایدار برسد یا نه، با رابرت هاروارد، دریادار بازنشسته نیروی دریایی آمریکا، عضو پیشین یگان ویژه نیروی دریایی و معاون پیشین فرمانده فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، گفت‌وگو کرده است.

رادیو اروپای آزاد/ ادیو آزادی: از منظر نظامی، تهران تصمیم آمریکا برای به تعویق انداختن حمله را چگونه تفسیر می‌کند؟ آیا آن را نشانه صبر راهبردی و فرصتی برای مذاکره می‌داند یا این‌که برداشت این است که می‌توان فشار را به تعویق انداخت؟

رابرت هاروارد: به نظر من، بر اساس تجربه‌ای که از زندگی در ایران و شناخت مردم ایران دارم، ایرانی‌ها ذاتاً بسیار راهبردی فکر می‌کنند. آن‌ها مثل شطرنج‌بازها هستند؛ افق نگاه‌شان بلندمدت است. چه در دوران زندگی‌ام در ایران و چه بعدها در تعاملات حرفه‌ای، همیشه دیده‌ام که حاضرند برای رسیدن به هدف‌شان زمان صرف کنند، چون این را به سود خود می‌دانند.

به گمانم اکنون نیز دقیقاً همین رویکرد را می‌بینیم. هرچه این وضعیت طولانی‌تر شود، آن‌ها بیشتر احساس می‌کنند که می‌توانند دوام بیاورند. آن‌ها سازوکار نظام سیاسی آمریکا را به خوبی می‌شناسند؛ می‌دانند انتخابات چگونه عمل می‌کند، تا چه اندازه ممکن است مواضع سیاسی در آمریکا تغییر کند و چگونه اراده سیاسی این کشور می‌تواند تحت تأثیر ملاحظات کوتاه‌مدت و مسائل داخلی قرار بگیرد.

بنابراین، فکر می‌کنم حکومت معتقد است که زمان به سود اوست. و وقتی از حکومت صحبت می‌کنم، منظورم در درجه نخست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، چون به باور من، کانون اصلی تصمیم‌گیری و اعمال قدرت در آن جاست و هیچ‌کس هم به دلیل خطر مرگ یا پیامدهای دیگر حاضر به چالش کشیدن آن نیست.

آیا می‌توانند تا انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا یا حتی تا پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ دوام بیاورند؟ تصور می‌کنم آن‌ها مذاکرات را فرصتی به نفع خود می‌بینند، چون باور دارند آن‌قدر دوام خواهند آورد که یا ترامپ را پشت سر بگذارند یا اراده سیاسی آمریکا را فرسوده کنند.

مرز میان ایجاد فرصت برای دیپلماسی و دادن زمان به یک رقیب برای تجدید قوا کجاست؟

رابرت هاروارد

در ابتدا تصور نمی‌کردم این دولت معتقد باشد که برای حل این بحران باید همه ابزارهای قدرت ملی را به کار بگیرد. اما حالا فکر می‌کنم به این نتیجه رسیده است، زیرا مذاکرات و امتیازهایی که از سوی ایران مطرح شده، تاکنون به نتیجه ملموسی نرسیده است.

به باور من، اکنون دولت آمریکا به شدت بر استفاده همزمان از همه ظرفیت‌های حکومت و همه مؤلفه‌های قدرت ملی اعم از سیاسی، اقتصادی و نظامی متمرکز شده است. تا امروز تقریباً تمام اتکای آن بر قدرت نظامی بود، اما این رویکرد نتوانست اهداف مورد نظر را محقق کند؛ نه بازگشایی تنگه هرمز و نه مهار برنامه هسته‌ای ایران با اهمیت افزون‌تری که دارد.

به همین دلیل، اکنون وزن بسیار بیشتری به اهرم‌های سیاسی داده شده است. در داخل آمریکا، دیدید که رئیس‌جمهور اعضای کابینه خود را در کمپ دیوید گرد هم آورد؛ اقدامی که نشان می‌دهد او در پی آن است که از همه ظرفیت‌های دولت آمریکا برای حل این مسئله استفاده کند.

در عرصه بین‌المللی نیز، همان‌طور که در آنکارا دیدید، آمریکا با کشورهای عربی و دیگر شرکا گفت‌وگو کرد تا راه‌های حمایت آن‌ها از این تلاش‌ها را بررسی کند. اکنون هم نشانه‌های این فشار سیاسی را می‌بینید: مشارکت عربستان در حملات، توافق لبنان و اسرائیل برای خلع سلاح حزب‌الله و کاهش نفوذ آن، حرکت

” به نظر من اکنون فشار سیاسی بسیار بیشتری در حال اعمال است. رئیس‌جمهور آمریکا معتقد است اگر بتواند ایران را از نظر اقتصادی به تنگنا بکشانند، در نهایت جمهوری اسلامی ناچار خواهد شد درباره تنگه هرمز و برنامه هسته‌ای خود با خواسته‌های آمریکا کنار بیاید. و این رویکرد در واقع پاسخ به این فرض ایران است که زمان به سود تهران است.

حماس به سمت توافقی برای خلع سلاح و پیشبرد صلح، مشارکت ائتلاف‌هایی از جمله بریتانیا برای تأمین امنیت تنگه هرمز و همچنین تلاش دیگر کشورها برای مقابله با تهدیدهای حوثی‌ها علیه عربستان و تنگه باب‌المندب.

از این منظر، به نظر من اکنون فشار سیاسی بسیار بیشتری در حال اعمال است. رئیس‌جمهور آمریکا معتقد است اگر بتواند ایران را از نظر اقتصادی به تنگنا بکشد، در نهایت جمهوری اسلامی ناچار خواهد شد درباره تنگه هرمز و برنامه هسته‌ای خود با خواسته‌های آمریکا کنار بیاید. و این رویکرد در واقع پاسخ به این فرض ایران است که زمان به سود تهران است.

برخی تحلیلگران نظامی معتقدند ایران توانایی خود را برای برهم زدن ثبات منطقه نشان داده و بنابراین انگیزه کافی برای کاهش تنش و رسیدن به توافق دارد. چرا تهران با سرعت بیشتری به سمت توافق حرکت نمی‌کند؟

ابتدا باید مشخص کنیم وقتی از «تهران» صحبت می‌کنیم، منظورمان چیست. به نظر من، حکومت همان سپاه پاسداران است. ممکن است برخی چهره‌های سیاسی هم به دلیل نقش‌شان در سرکوب‌ها یا منافع اقتصادی گسترده‌شان، دیگر نتوانند خود را از سپاه جدا کنند.

اگر این حکومت از هر یک از منابع اصلی قدرت خود دست بکشد، نشانه ضعف خواهد بود و زمینه را برای پاسخ‌گو شدن در داخل کشور فراهم می‌کند.

در آن صورت، ممکن است مردم ایران آن‌ها را بابت همه کسانی که کشته‌اند، اعدام کرده‌اند، به دار آویخته‌اند یا در خیابان‌ها هدف گلوله قرار داده‌اند، مسئول بدانند. برای آن‌ها، این مسئله یک تهدید وجودی است.

اگر از هر یک از پایه‌های اصلی قدرت خود صرف‌نظر کنند، در بلندمدت بقای خود را به خطر می‌اندازند. برای آن‌ها این وضعیت، مسئله مرگ و زندگی است. باید تا آخر مسیر پیش بروند، چون اگر از همین حالا شروع به عقب‌نشینی کنند، خودشان هم می‌دانند که در نهایت سرنوشت‌شان نابودی خواهد بود.

بر اساس تجربه شما، ناظران خارجی معمولاً در ارزیابی شیوه محاسبه ریسک از سوی رهبران ایران چه نکته‌ای را نادیده می‌گیرند؟

فکر می‌کنم یک موضوع مهم را از قلم می‌اندازند. همیشه هم فرصت وجود دارد و هم احتمال خطای محاسباتی. فرصتی که به نظر من از آن غافل مانده‌ایم، خود ایران است.

فکر می‌کنم حکومت [ایران] معتقد است که زمان به سود اوست. و وقتی از حکومت صحبت می‌کنم، منظورم در درجه نخست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، چون به باور من، کانون اصلی تصمیم‌گیری و اعمال قدرت در آن جاست و هیچ‌کس هم به دلیل خطر مرگ یا پیامدهای دیگر حاضر به چالش کشیدن آن نیست.

از میان حدود ۹۵ میلیون نفر جمعیت ایران، چند نفر خواهان تغییر حکومت هستند؟ به نظر من، این همان خطای محاسباتی بزرگی است که مرتکب شده‌ایم؛ نه از این فرصت استفاده کرده‌ایم و نه به اندازه کافی بر آن تمرکز داشته‌ایم.

رئیس‌جمهور ترامپ درباره این موضوع صحبت کرده، اما من هنوز سیاست یا برنامه مشخصی ندیده‌ام که از این ظرفیت بهره ببرد. در عین حال، فکر می‌کنم همه درک می‌کنند که این موضوع برای اعضای حکومت، یعنی سپاه پاسداران و مقام‌های سیاسی همسو با آن، یک تهدید وجودی است. به همین دلیل است که به آن‌ها فرصت داده می‌شود تا به نوعی توافق برسند.

اما در نهایت، هر توافقی فقط باعث می‌شود این تهدید برای دهه‌های آینده ادامه پیدا کند. همان‌طور که همیشه عمل کرده‌اند، آن‌ها به سرعت توانمندی‌های خود را بازسازی می‌کنند و راه‌هایی برای دور زدن هر توافقی پیدا می‌کنند.

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بهترین نمونه این موضوع است. در چارچوب برجام، ایران با قواعد تعیین‌شده موافقت کرد، آن‌ها را اجرا کرد و در مقابل، ده‌ها میلیارد دلار دریافت کرد. اما همزمان، خارج از چارچوب آن توافق، به توسعه زیرساخت‌ها و توانمندی‌هایی ادامه داد که برای تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای به آن نیاز داشت. حتی زمانی که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران حضور داشتند و به نظر می‌رسید همه چیز شفاف است، باز هم بخشی از فعالیت‌های خود را پنهان نگه داشت.

ایران ظرفیت غنی‌سازی خود را افزایش داد، سانتریفوژهای پیشرفته‌تری توسعه داد و خود را به نقطه‌ای رساند که بتواند اورانیوم ۶۰ درصدی را ظرف چند هفته به اورانیوم با غنای تسلیحاتی، یعنی حدود ۹۵ درصد، تبدیل کند.

در عین حال، هیچ‌یک از این توافقات برنامه موشکی و پهپادی ایران را شامل نمی‌شد. این توانمندی‌ها با سرعت بسیار زیادی گسترش یافت، تا جایی که ایران به موشک‌های بالستیک دست یافت که برد آن‌ها به اروپا می‌رسد؛ موضوعی که پرتاب موشک به سمت پایگاه دیه‌گو گارسیا آن را نشان داد.

درس اصلی که به نظر من بسیاری در همین‌جا ایران را دست‌کم می‌گیرند، این است که تصور می‌کنند هر توافقی درباره تنگه هرمز یا برنامه هسته‌ای، تهدید بلندمدت ایران برای شرکای منطقه‌ای و حتی فراتر از منطقه را از میان خواهد برد.

شما در ایران بزرگ شده‌اید، فارسی صحبت می‌کنید و همچنان با افرادی در ارتباط هستید که با ایران پیوند دارند. ایرانیان عادی امروز به شما چه می‌گویند؟ دوست دارند جهان چه چیزی را درباره وضعیت آن‌ها بدانند؟

آن‌ها امیدوار هستند، اما در عین حال به شدت تأکید می‌کنند که دولت کنونی آمریکا مسیر خود را برای تغییر حکومت در ایران ادامه دهد.

کسانی که من با آن‌ها در تماس هستم، معتقدند افراد عادی جامعه ایران هستند، هرچند برخی از آن‌ها در آمریکا تحصیل کرده‌اند و همچنان در ایران زندگی می‌کنند، برای این‌که هویت‌شان فاش نشود و در معرض خطر قرار نگیرند، نمی‌خواهم درباره آن‌ها جزئیات بیشتری بگویم.

همه آن‌ها معتقدند این حکومت مانع پیشرفت ایران شده است.

به گفته آن‌ها، منابع عظیم این کشور ثروتمند به جای آن‌که صرف رفاه و بهبود زندگی مردم ایران شود، در مسیرهای دیگری هزینه شده است. آن‌ها به کشورهایی مانند قطر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی نگاه می‌کنند و آزادی‌ها، رفاه و فرصت‌هایی را می‌بینند که خود از آن محروم‌اند، زیرا به باور آن‌ها حکومت ایران این امکان را از مردم سلب کرده است.

آن‌ها دعا می‌کنند و امیدوارند که ایالات متحده این مسیر را ادامه دهد و آن را تا رسیدن به حکومتی دنبال کند که بیش از صدور انقلاب اسلامی، چه در داخل ایران و چه در خارج از مرزهای آن، بر توسعه ایران و رفاه مردمش تمرکز داشته باشد.

این همان چیزی است که از همه دوستان ایرانی‌ام می‌شنوم. آن‌ها دعا می‌کنند که ما تا رسیدن به چنین هدفی، این مسیر را ادامه دهیم.

